برتر روزنامه‌ها

بنیامین اردوغان علیه سوریه

روزنامه کیهان در شماره دیروز خود با اشاره به حملاتی که از شامگاه پنج‌شنبه علیه استان حلب در سوریه صورت گرفته است، نوشت: استفاده تروریست‌های مهاجم به حلب از انواعی از هواپیماهای بدون سرنشین، پهپادها و خودروهای زرهی هم بر نقش یک یا چند دولت خارجی تأکید می‌کند. وجود دست‌های خارجی در تحولات سه روز اخیر شمال سوریه موضوع پیچیده‌ای نیست؛ نقش ارتش ترکیه در این درگیری بسیار واضح است. اساساً ترکیه به‌طور خیلی رسمی طی مذاکرات چندساله آستانه، نمایندگی و در واقع مسئولیت گروه تروریستی تحریرالشام را پذیرفته و طی چند سال گذشته به نمایندگی از آن در مذاکرات شرکت کرده است. پیوستگی کامل منطقه ادلب به مرزها و خاک ترکیه هم بر مسئولیت آن در این حمله دلالت دارد.
از سوی دیگر در این میان نقش رژیم‌صهیونیستی هم آشکار است. روزنامه «تایمز اسرائیل» به نقل از یک منبع نظامی ارشد این رژیم نوشت: «ارتش اسرائیل تنها به حمله به انبارها و محموله‌های تسلیحاتی به لبنان اکتفا نمی‌کند و سوریه تاوان کمک خود به حزب‌الله را پرداخت خواهد کرد»، بنابراین حمله به حلب می‌تواند با برنامه‌ریزی، کارگردانی و هزینه دو دولت آنکارا و تل‌آویو و با استفاده از گروه‌های تروریستی شناخته‌شده صورت گرفته و دارای مقصد خاصی باشد. این مقصد در یک کلمه تسلیم دولت بشار اسد و به تعبیر دقیق‌تر تسلیم سوریه و کنار گذاشتن مقاومت در برابر طرح‌های توسعه‌طلبانه غربی- صهیونیستی علیه سوریه است. اما وقتی مغز و خروجی این طرح را می‌شکافیم، احتمال بیشتر می‌دهیم که این یک طرح اصالتاً صهیونیستی است که به دیگری در مقام نیابت سپرده شده و او با استفاده از امکانات ارتش خود و عملگی تکفیری‌های تروریست، آن را به اجرا گذاشته است.

اروپای تنها

روزنامه صبح‌نو در شماره دیروز خود به مذاکرات ایران و اروپا پرداخت و نوشت: به نظر می‌رسد تمایل اروپا به گفت‌وگو پس از یک دوره طولانی امتناع، مرتبط با بازگشت ترامپ به کاخ سفید باشد؛ ترامپی که نیامده ناقوس جنگ تجاری را از چین گرفته تا کانادا و دیگر متحدانش به صدا درآورده و اروپا را به این فکر انداخته که سیاست مستقل خود را از امریکا کلید بزند. اروپا می‌داند پایان دادن به جنگ اوکراین یکی از سیاست‌های ترامپ است و بازنده این پایان زودهنگام جنگ، قطعاً اروپا خواهد بود.
نویسنده اضافه کرده است: امروز اروپا خود را تنها و بدون حمایت‌های امریکا می‌بیند و با روی کار آمدن راست‌های افراطی حتی اتحادیه اروپا نیز به خطر افتاده است. علاوه بر جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا حالا زمزمه‌های جدایی آلمان از این اتحادیه هم شنیده می‌شود. اروپا از هزینه ناتو برای جنگ اوکراین برنمی‌آید و بیش از گذشته در ضعف و خطر قرار گرفته است که باید جنگ تعرفه‌ای ترامپ را هم به آن اضافه کرد، بنابراین امروز این اروپاست که بیشتر از ایران به مذاکره نیاز دارد. هرچند بسیاری از تحلیلگران اروپای بدون امریکا را ناتوان در حل مسائل ایران می‌دانند، اما روی کار آمدن ترامپ و احتمال شکاف در دو سوی آتلانتیک فرصتی برای تهران است که بتواند با تعدد بازیگران حداکثر بهره‌برداری از فرصت‌ها را برای تأمین منافع ملی خود، داشته باشد. می‌دانیم اروپا نیازمند انرژی از جمله گاز است و ایران نیز دارای دومین ذخایر گازی جهان. ایران هم باید براساس منافع خود تاکتیک‌هایش را تغییر دهد.

پایان تاب‌آوری صهیونیست‌ها در جنگ

روزنامه رسالت در ارزیابی خود از میزان تاب‌آوری رژیم‌صهیونیستی در جنگ غزه و لبنان نوشت: زمانی که جنگ غزه از سوی صهیونیست‌ها کلید خورد، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی و همراهانش ابتدا درصدد نابودی حماس، اشغال کامل نوار غزه و آزادی اسرا در یک بازه زمانی محدود (دوماهه) برآمدند، با این حال مقاومت ترکیبی و هوشمندانه حماس و جهاد اسلامی، جایی برای تحقق اهداف صهیونیست‌ها باقی نگذاشت.
اکنون حدود ۱۵ماه از جنگ سپری شده و ضریب تاب‌آوری ساکنان اراضی اشغالی در قبال منازعه اخیر به پایین‌ترین میزان ممکن رسیده است. علاوه بر این، کمبود تجهیزات، نیروی نظامی و امکانات پدافندی در اراضی اشغالی، موضوعی نیست که بتوان آن را از دید رسانه‌های منطقه و جهان دور نگه داشت. شکست رژیم اشغالگر قدس در رسیدن به اهداف تعیین شده میدانی در غزه و لبنان، سبب شده است این رژیم در پی تشدید حملات دیوانه‌وار خود به این مناطق روی بیاورد. نتیجه این رویکرد، کمبود شدید امکانات نظامی و لجستیک در اراضی اشغالی بوده است.
گذشت زمان نه تنها تبدیل به کاتالیزور و عاملی تسریع‌کننده در پیشبرد اهداف اولیه صهیونیست‌ها در جنگ غزه و لبنان نشده، بلکه به عاملی جهت معکوس‌سازی این روند مبدل گردیده و جایی برای تنفس میدانی تل‌آویو در جبهه شمال و غزه باقی نگذاشته است. افزایش تعداد تلفات صهیونیست‌ها از یک سو و استناد مقاومت به روش‌های ترکیبی و غافلگیرکننده از سوی دیگر سبب شده تا نسبت «هزینه» و «فایده» در اتاق‌های فکر نظامی- اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس به ضرر اهداف این رژیم شکل گیرد. اکنون ژنرال‌های صهیونیست به وضوح اذعان کرده‌اند که گذشت زمان، عاملی جهت عادی‌سازی جنگ در بین افکار عمومی اراضی اشغالی نبوده و بالعکس، تاب‌آوری حداقلی و ابتدایی ساکنان این اراضی را به گونه‌ای آشکار به چالش کشیده است. در چنین شرایطی مدیریت بحران‌های ناشی از شکست متنی و فرامتنی رژیم‌صهیونیستی از سوی جریان دفرمه شده قدرت در تل‌آویو بیش از هر زمان دیگری ناممکن شده است.

پروژه فشار بر ایران و مقاومت

روزنامه همشهری در یادداشتی با بیان این نکته که این روزها تحولات در منطقه و حوزه سیاست خارجی پرشتاب و به تعبیری سرعت اتفاقات به دقیقه رسیده است، نوشت: اینکه دشمن در سه ابرپروژه و هماوردی بزرگ «هسته‌ای»، «حقوق بشر» و «منطقه خاورمیانه» با ایران اسلامی رویارویی‌های مستقیم، غیرمستقیم و متعدد داشته است، مسئله تازه‌ای نیست. نویسنده اضافه کرده است: در تحولات کنونی منطقه، عقبه ماجرا به آنجا برمی‌گردد که رژیم صهیونی در پساطوفان‌الاقصی نتوانسته به هدف اعلام‌شده، یعنی حذف جریان مقاومت برسد. سؤال روشن این است که حامی اصلی و واقعی مقاومت که محاسبات امریکا و رژیم صهیونی را برهم زده، کیست؟ پاسخ هم روشن است: ایران، بنابراین این بار تروریست‌های تکفیری (تحریرالشام) و جریان سکولارهای منافق امریکایی به کمک رژیم آپارتاید و تروریستی صهیونیستی آمده‌اند تا ایران اسلامی را از محور «مقاومت» دور کنند، یعنی تکفیری‌ها را با حمایت دولت اردوغان در فتنه شام به بازی بگیرند و به‌صورت آشکار، طراحی این پروژه‌ها و نقشه‌ها با امریکاست. اما چند نکته قابل اعتناست: ۱. ایران اسلامی به بازی ناشیانه و نقشه نخ‌نماشده غرب در پروژه هسته‌ای و حقوق بشر اشراف دارد ۲. هیچ معادله‌ای نمی‌تواند ایران را از محور مقاومت دور کند ۳. ابرپروژه خاورمیانه امریکایی مانند سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶ شکست خواهد خورد چراکه «صهیونیست‌ها» و «تروریست‌ها» امروز منفور مردم جهان هستند و «مقاومت» به پشتوانه خدا و مردم، معادلات را بار دیگر بر هم خواهد زد.

قضایی

انتقاد اژه‌ای از تعدد دستگاه متولی در مصوبات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی

علی شیربند | میزان

همه مردم و بیشتر از آنها، همه ما مسئولان، باید قانون را محترم بشماریم و ضروری است قانونمداری به فرهنگ و اخلاق‌مان تبدیل شود.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای در نشست هم‌اندیشی با مدیران دبیرخانه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، طی سخنانی با اشاره به ضرورت تبیین هرچه بیشتر وظایف، اختیارات و مصوبات این شورا برای مردم، نخبگان و مدیران سطوح مختلف اظهار کرد: امروز بسیاری از مردم، نخبگان و مدیران در سطوح مختلف، از وظایف، اختیارات و مصوبات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بی‌اطلاع هستند، بنابراین ضرورت دارد دامنه و گستره تبیین‌گری و اطلاع‌رسانی در این حوزه برای عموم مردم افزایش پیدا کند. شاید کثیری از مردم و حتی مسئولان ما مطلع نباشند که در بسیاری از پیشرفت‌های علمی کشور، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، نهاد پایه‌گذار و عامل و پیگیر بوده است.
رئیس قوه قضائیه در ادامه با اشاره به ضرورت تبیین سازوکارهای پیگیری اجرای مصوبات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی گفت: دبیرخانه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی باید سازوکارهای ناظر بر پیگیری مصوبات این شورا را در دستگاه‌های مختلف تبیین کند تا همگان بدانند چنانچه دستگاهی، مصوبات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی را اجرایی نکند، چه تبعاتی متوجه این موضوع است یا چرا فلان دستگاه، از اجرایی کردن فلان مصوبه شورا استنکاف می‌ورزد؟

■ تعدد مراکز تصمیم‌گیری در موضوعات واحد

رئیس دستگاه قضا با اشاره به مقوله تعدد مراکز تصمیم‌گیری در موضوعات واحد گفت: بعضاً در مصوبات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی مشاهده می‌شود که متولی و متصدی انجام یک امر واحد، دو یا چند دستگاه هستند، باید بررسی کرد که آیا این موضوع، صحیح است یا خیر؟ آیا به واسطه این موضوع بر هزینه‌ها افزوده نمی‌شود؟ از سویی دیگر، بحث دامنه و گستره ارتباط شورای‌عالی انقلاب فرهنگی با سایر نهادها و شوراهای عالی نیز مطرح است و باید هر چه بیشتر این ارتباطات موسع شوند.

■ قانونمداری باید بخشی از اخلاق و فرهنگ ما شود

قاضی‌القضات با تأکید بر اهمیت التزام به اجرا و رعایت قانون گفت: همه مردم و بیشتر از آنها، همه ما مسئولان، باید قانون را محترم بشماریم و ضروری است قانونمداری به فرهنگ و اخلاق‌مان تبدیل شود، اگر قانون، اشکال یا خلأ دارد، باید وجه همت خود را بر اصلاح یا تکمیل آن متمرکز کنیم، اما اینکه بگوییم فلان قانون را اجرایی نمی‌کنیم، چون با وضع آن مخالف بودیم، یک سخن به دور از منطق و عقلانیت است.

■ آزادی مشروع، مورد اعتقاد اسلام و قانون اساسی

رئیس دستگاه قضا افزود: گسترش آزادی‌های مشروع نیز که در قانون اساسی به عنوان یکی از مسئولیت‌های قوه قضائیه بر آن تصریح شده، از سنخ مقولات دوسویه است، به این معنا که چگونه تدبیر و تمهید کنیم که هم آزادی بیان و آزادی برخی افعال و آزادی برخی تجمعات (با همان ملاحظات مصرح در قانون) محقق شود و هم به این واسطه موجبات سوءاستفاده دشمن فراهم نشود. در سال ۱۳۷۹ که قانون مطبوعات و مبحث هیئت نظارت بر مطبوعات تدوین شد، برای مقوله «نقد»، قیودی آمد، از جمله آنکه «عالمانه» و عاری از «تحقیر» و «توهین» باشد، پس از آن عده‌ای مدعی شدند نقد کردن با این قیود مصرح در قانون، دیگر نامش «نقد» نیست! با این حال مقصود من آن است که این مقولات دارای سویه‌های دوگانه و چندگانه نیازمند بررسی‌های جامع، مداقه و ظرافت به خرج دادن است تا امر مطلوب که همان نفع اجتماعی و عمومی است، در قبال آنها حاصل شود.

■ نقد به‌دور از تحقیر و توهین، یعنی نقد منصفانه

رئیس عدلیه بیان داشت: در همین قضیه کرسی‌های آزاداندیشی که سازوکارهای مرتبط با آن در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی تدوین و تمهید شده (و ضروری است هر چه سریع‌تر گسترش یابد تا جامعه از فوایدش بهره‌مند و مستفیض شود) باید چگونه تدبیر کرد که پس از برگزاری چند کرسی آزاداندیشی در موضوعات مختلف، عده‌ای از قوه قضائیه مطالبه جلوگیری از ادامه برپایی این کرسی‌ها را به بهانه وجود «تحقیر» یا «توهین» در آنها نکنند؟

■ انتقاد رئیس قوه قضائیه از برخوردهای سختگیرانه در گزینش و استعلام

قاضی‌القضات بیان داشت: یکی از مقولاتی که ما بعضاً سختگیرانه و موسع در قبال آن عمل می‌کنیم، بحث حیات اجتماعی مجرمی است که توبه کرده و دیگر به سمت ارتکاب جرم نرفته است، در اینجا شیوه ما در مواجهه با او چگونه است؟ در انتخابات، استعلام‌ها، گزینش‌ها و قس‌علیهذا با او چگونه برخورد می‌شود؟ فردی جرمی مرتکب و مجازات قانونی آن را نیز متحمل شده است، حال چگونه می‌توان این فرد را از حیز انتفاع ساقط نکرد؟ جرم او نیز در زمره مسائلی نیست که به صراحت در قانون قید شده باشد به واسطه این جرم نباید فلان پست را تصدی کند یا به فلان کار اشتغال داشته باشد، در اینجا گاهی بسیار سختگیرانه و موسع عمل می‌شود و آن فرد، از تصدی آن پست یا اشتغال به آن کار محروم می‌شود.
رئیس عدلیه در ادامه به مقوله اختلاف‌نظرها و اختلاف سلیقه‌ها در جامعه پرداخت و گفت: وجود اختلاف‌نظرها و اختلاف سلیقه‌ها در جامعه یک امر طبیعی است، مهم آن است که با وجود این اختلافات و تباینات، همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه حکمفرما باشد، در اینجا یک فرهنگ‌سازی منسجم و مقوم نیاز است و نقش شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در این مقوله، بسیار برجسته و ممتاز است.
پیش از سخنان رئیس قوه قضائیه، حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی به تشریح فعالیت‌ها و همکاری‌های دبیرخانه این شورا با نهادهای مختلف پرداخت و تعدادی از اعضای این شورا نیز نظرات خود را پیرامون تعامل قوه قضائیه و شورای عالی انقلاب فرهنگی بیان کردند.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با دکتر کدخدایی درباره ابعاد حقوقی حکم بازداشت نخست وزیر رژیم‌صهیونیستی

اعدام نتانیاهو به کنار، جنایات امریکا و غرب چه حکمی دارد؟!

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره وضعیت اخیر حوادث منطقه فرمودند: «دشمن در غزه پیروز نشده، دشمن در لبنان پیروز نشده، دشمن در غزه و لبنان پیروز نخواهد شد. آن کاری که اینها کردند پیروزی نیست، جنایت جنگی است، خب حکم بازداشتش را صادر کردند، [اما] کافی نیست، بایستی حکم اعدام نتانیاهو، حکم اعدام این سران جنایتکار صادر بشود.» به همین مناسبت رسانه KHAMENEI. IR در گفت‌وگو با دکتر عباسعلی کدخدایی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو حقوقدان شورای نگهبان، جنایت جنگی رژیم صهیونی و حکم بازداشت نتانیاهو را از منظر حقوق بین‌الملل بررسی کرده است.

آیا در ساختارهای بین‌المللی که برای بررسی جنایات جنگی طراحی شده‌اند، امکان تحقق عدالت برای کسانی که به ایشان تعدی شده، وجود دارد یا خیر؟ یا صرفاً یک شعار یا یک حرکت نمایشی برای میل به اهداف دیگری است؟

در واقع سؤال اصلی این است که آیا با ابزارهایی که امروز در جامعه بین‌المللی وجود دارد، می‌توانیم به تحقق عدالت بین‌المللی برسیم یا خیر؟ تلاش‌های مختلفی در عرصه بین‌المللی انجام شده است. اگر به دوران نه چندان دور جنگ‌های جهانی برگردیم، دادگاه‌های توکیو و نورنبرگ شکل و اقداماتی صورت گرفت. همچنین در حوادثی مانند رواندا و سیرالئون، دادگاه‌هایی تشکیل و رسیدگی‌هایی انجام شد، اما هیچ‌کدام از اینها نتوانستند عدالت کیفری یا عدالت به صورت مطلق را محقق کنند. حال فرض کنید در اتفاقات ناگواری که در غزه و لبنان افتاد، بیش از ۴۴هزار نفر در غزه قتل‌عام شدند. چه رسیدگی‌ای می‌توانیم داشته باشیم که عدالت را محقق کند؟ البته شاید اقدامات غیرحقوقی هم می‌توانست از این جنایت جلوگیری کند که در ادامه عرض می‌کنم. در این جنایت، کشورهای غربی به ویژه امریکا به صورت رسمی از رژیم‌صهیونیستی حمایت کردند، چه از نظر سلاح و چه از نظر مسائل مالی و اینها. چه کسی باید پاسخگو باشد و عدالت را چگونه می‌توانیم نسبت به اینها اجرا کنیم؟ این مسئله مهمی است و ان‌شاءالله در ادامه بیشتر توضیح خواهم داد.

به تعبیر شما، ظرفیت‌های حداقلی هم برای احقاق حقوق کشورهای جنوب در این فضا وجود ندارد، درست است؟

بله، واقعیت این است که حداقل‌ها هم وجود ندارد. شما در مقابل جنایت‌های جنگی و جنایت علیه بشریت، وقتی مصداق را نگاه می‌کنید، می‌بینید که تعداد زیادی از مردم بی‌گناه - زن، کودک و...- در لبنان و غزه قتل‌عام شده‌اند. الان یک قرار بازداشت اولیه وجود دارد. نهایتاً چه اقدامی باید صورت بگیرد؟ آیا نمی‌توانستیم از این جنایت‌ها جلوگیری کنیم؟ برخی کشورهای اروپایی صراحتاً از رژیم‌صهیونیستی حمایت و سلاح تأمین کردند و عضو دیوان هم هستند. قبل از اینکه ما به مرحله قضایی برسیم که ICC بخواهد ورود کند، رهبر انقلاب اسلامی هم یکی دو نوبت این مطلب را فرمودند، حتی تجارت ساده را نمی‌توانستیم مانع شویم؟ تجارت‌ها را قطع کنیم. کشورهایی که مدعی عدالت و حقوق بشر هستند. اگر از همان ابتدا این دولت‌ها روابط‌شان را کاهش می‌دادند، حداقل اثری در جلوگیری از استمرار جنایت‌ها داشت، ولی اینها اتفاق نیفتاد و همه‌اش حمایت کردند. حالا که ICC قرار بازداشتی صادر کرده، برخی از این کشورها- به رغم اینکه عضو ICC هستند- با احتیاط نسبت به این مسئله اعلام نظر کرده‌اند، برخی هم گفته‌اند که لازم‌الاجراست، ولی چه ابزار بین‌المللی برای اجرای همین قرار بازداشت حداقلی وجود دارد؟ در ICC، اجرای این احکام بر عهده دولت ذی‌ربط است. خود رژیم‌صهیونیستی که طبیعتاً این احکام را اجرا نمی‌کند. کشورهای دیگر چه اقداماتی می‌خواهند انجام دهند؟

امریکا هم عضو این دیوان است؟

خیر، امریکا عضو نیست.

چطور ممکن است برخی کشورهای اروپایی هم در جبهه سیاسی و هم در حمایت مالی و تسلیحاتی با رژیم همکاری کنند و در عین حال عضو این دیوان نیز باشند؟

بله، این همان بحثی است که سال‌هاست ما نسبت به آن در قالب استانداردهای دوگانه معترض هستیم. از یک طرف، شما تعهد دارید که طبق اساسنامه‌ای که عضو آن هستید، پیگیری‌هایی انجام دهید، اما از طرف دیگر، جنایت‌ها را به وضوح مشاهده می‌کنید. به هر حال، این قرار بازداشتی که صادر شد، نشان‌دهنده اوج نفرت و انزجار بین‌المللی است. دیگر جوامع مختلف نمی‌توانستند این اندازه جنایت را تحمل کنند. مگر دولت‌ها این جنایت‌ها را نمی‌دیدند؟ آیا آگاه نبودند از اتفاقاتی که در حال وقوع بود؟ اینکه یک رژیم از بن‌دندان مسلح حتی از غذا و دارو به عنوان ابزار جنگی استفاده کند و اجازه ندهد کمک‌ها به مردم برسد، غیرقابل قبول است، حتی در برخی حملات، اجازه نمی‌دادند نیروهای امدادی برای کمک به مجروحان وارد عمل شوند، اما صدایی از این کشورها درنیامد و هیچ اقدام مؤثری انجام نشد. حالا که بحث آتش‌بس و مسائل دیگر مطرح شده، قرار بازداشت حداقلی وجود دارد و باید ببینیم آینده چه خواهد شد.

رهبر انقلاب اسلامی فرمودند بازداشت کافی نیست و باید اعدام شوند.

حتی اعدام هم برای اینها واقعاً کم است. جنایت‌هایی که اتفاق افتاده، بسیار زیاد است. این جنایت‌ها به‌طور علنی و در منظر رسانه‌ها و دولتمردان کشورهای مختلف انجام شده است، اما دریغ از یک اقدام کوچک در این زمینه. گاهی اوقات فقط اعلام می‌شود که رژیم‌صهیونیستی نباید بیشتر از این اقداماتش را انجام دهد، اما شما اقدامات مؤثرتری می‌توانستید انجام دهید. کافی بود سلاح تأمین نمی‌کردید یا راه‌های تأمین مالی این رژیم را مسدود می‌کردید. در مورد یک گروه یا کشور که روی پای خودش می‌ایستد، بلافاصله تحریم‌ها و تهدیدها شروع می‌شود، اما نسبت به رژیمی که هر روز مرتکب جنایت می‌شود، هیچ اقدامی انجام نمی‌شود. آیا منتظر هستید ICC دستوری صادر کند و سپس اعلام کنید ما همراه هستیم؟ آینده این دستور چه خواهد شد؟ آیا مقامات صهیونیستی واقعاً به مجازات خواهند رسید؟ آیا می‌توانند خسارت‌های انسانی و مالی که در غزه و لبنان اتفاق افتاده را جبران کنند؟ این خسارت‌ها به جرم تلاش برای حق تعیین سرنوشت است. رأی مشورتی دیوان مبنی بر اشغال سرزمین‌های فلسطین از سوی رژیم‌صهیونیستی، عدم‌مشروعیت این رژیم را فریاد می‌زند. شما از ابتدا مشروع نیستید و حتی به مصوبات ملل متحد و قطعنامه‌های دهه‌های ۴۰ یا ۶۰ میلادی پایبند نبوده‌اید. آیا می‌توان گفت که می‌خواهید از خودتان دفاع کنید؟ دفاع از چه؟ دفاع از سرزمین غصبی؟ شما به زور جایی را اشغال کرده‌اید و به بهانه دفاع، مردم زیادی را قتل‌عام می‌کنید. استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف مانند ریختن بمب‌های ۲هزار پوندی بر سر زن و مردی که سرپناه ندارند، جنایت است. اینها سلاح‌های متعارفی نیستند که شما برای مردم بی‌پناه استفاده می‌کنید. حمله به مدارس و بیمارستان‌ها نیز جنایت‌هایی بود که جلوی دیدگان جامعه جهانی اتفاق افتاد. به نظر من، جامعه جهانی می‌توانست در روزهای اول، نه هفته اول و نه ماه‌های اول، جلوی این جنایت‌ها را بگیرد، اما متأسفانه این اقدامات انجام نشد.

یادداشت میهمان

شیدا بهاری

اصرار بر تقلیل ایران به قبایل جدا از هم

برخی تصور می‌کنند گره کوری در ایران وجود دارد به نام مسئله اقوام و به همین دلیل، هر مشکلی را به حساسیت‌های این موضوع پیوند می‌زنند، اما این همه اصرار برای قرائت نادرست از تاریخ ایران چه هدفی را دنبال می‌کند؟
این روایت‌ها که طی سال‌های اخیر القا شده مبنی بر اینکه «ایران متشکل از اقوام پراکنده نامرتبط به هم است و باید کاری کنیم وحدت قومی به‌وجود آید» از اساس گزاره‌ای غلط و دور از تصویر حقیقی ایران است.
ایران سرزمینی متشکل از اقوام پراکنده نیست، یعنی قومیت‌های مختلف باائتلاف، سرزمینی به نام ایران را خلق نکرده‌اند بلکه ایران جایگاه خانواده یگانه‌ای است که هر فرزندش در گوشه‌ای از این سرزمین بالیده و این خانواده بزرگ و بزرگ‌تر شده است.
درست به عکس ترکیه یا عراق که هرقومی می‌تواند ادعا کند گذشته، نژاد، فرهنگ و ملیتی غیر از دیگری دارد، در ایران یگانگی صرفاً محصول درهم‌تنیدگی تاریخی و همزیستی مشترک و طولانی نیست، اینجا اقوام همسایه یکدیگر نبوده‌اند که بعدها باهم یکی شده باشند، بلکه از ابتدا یکی بوده‌اند. نخستین ایراد چنین رویکردی در فهم مسئله و صورت‌بندی منطقی آن بر اساس واقعیت‌های تاریخی است و دومین ایراد تلاش برای ترمیم و حل مسئله‌ای که از اساس وجود ندارد.
برجسته‌سازی قومیت برای مردمی که تعریف قوم در معنای تحت‌اللفظی وارداتی بر آنان اطلاق نمی‌شود، جفایی آشکار است، زیرا این مردم، در هر بخشی از جغرافیای ایران، مشابه یکدیگرند و تنها تفاوت‌شان در گویش، زبان و لهجه‌ای است که مثل رنگ‌های متفاوت یک فرش، زیبایی نهایی را شکل می‌دهند؛ فرشی که تار و پودش یکی است. اصرار بر قوم‌سازی مردم ایران و عقب‌نشینی از مفهوم ملت و ملیت، تلاش برای اتمیزه‌کردن تمدن ایرانی است، یعنی روی دیگر سکه‌ای که خارج از مرزها برای نابودی سرزمینی به نام ایران ضرب می‌شود. کسانی که در مصرف لفظ «اقوام» ولخرجی می‌کنند، باید پاسخ دهند که چرا این مردم را به اقوامی جدا از یکدیگر تقلیل می‌دهند. آیا بازی‌های سیاسی و پناه گرفتن پشت این گسل‌های مصنوعی نقطه پایانی دارد؟ خیر.
ما با همین دست‌فرمان در ثبت میراث ناملموس هم حساسیت درست می‌کنیم؛ چالشی که نتیجه نبود روایتی منسجم و صحیح از امر ملی است. برخی متولیان با نگاهی قوم‌گرایانه و تولید روایت‌های من‌درآوردی از ایران، جز اینکه آب در آسیاب دشمن می‌ریزند، چه کار دیگری می‌کنند؟ مناقشه اخیر میان قشقایی و لر بر سر ثبت پوشاک و تلاش برای خلق یک هویت قومی مستقل برای قشقایی‌ها نمونه‌ای از این خطاست، در حالی که اتحادیه قشقایی درست مثل اتحادیه شاهسون هرگز یک هویت قومی نبوده است.
این ساختار، مجموعه‌ای از ایلات مختلف (از جمله ترک‌ها، لرها، فارس‌ها، عرب‌ها و بلوچ‌ها) را در خود جای داده است، بنابراین تقلیل قشقایی به یک هویت قومی، تحریفی آشکار است. چرا اصرار بر اتمیزه‌کردن جامعه ایرانی و تعریف هر ذره با فهم غربی از مسئله داریم، آیا نمی‌شود مثلاً میراث ناملموس یک منطقه تحت عناوین عمومی‌تر و ملی‌تری مثل «فرهنگ ایلات جنوب ایران» ثبت شود؟ حتماً باید در شعاع چند کیلومتری چند خط غلیظ برای جدایی بکشیم و بعد هم بگوییم قضیه خیلی حساس است؟ نمی‌شد «پوشاک ایلات استان فارس» را ثبت کرد؟ سیری کلی در اتفاقات اخیر پس از آغاز به کار دولت، خیلی واضح این موضوع را به ما گوشزد می‌کند که برخی دولتمردان در فهم و روایت هویت قومی و ملی مشکل دارند و ادامه چنین رویکردی می‌تواند صدماتی جبران‌ناپذیر به ایران وارد کند. اتمیزه‌کردن فرهنگ مدنی ایران به قوم و قبیله، هم جفا در حق قبیله است هم جفا در حق ایران.

گزیده خبر

توسعه دیپلماسی دریایی از راهبردهای اصلی نیروهای دریایی است

توسعه دیپلماسی دریایی یکی از راهبردهای اصلی و وظایف نیروهای دریایی در سطح جهان است.

به گزارش مهر، امیر دریادار شهرام ایرانی، فرمانده نیروی دریایی ارتش در آیین بزرگداشت روز نیروی دریایی ارتش که در مرکز همایش‌های خلیج فارس برگزار شد با گرامیداشت سالروز نیروی دریایی ارتش گفت: روز هفتم آذر روزی برای بزرگداشت رشادت‌ها و حماسه آفرینی شهدا و جانبازان نیروی دریایی ارتش است.
وی افزود: در تاریخ هر کشوری روزهایی وجود دارند که موجب افتخار ملت است و هفتم آذر روز افتخار آفرینی نیروی دریایی ارتش است و از این بابت بر خود می‌بالیم. در زمانی که رژیم بعث عراق قصد داشت تهران را یک هفته‌ای اشغال کند، این شهدا بودند که به میدان آمدند و مانع آنها شدند. در عرصه دریایی نیروی دریایی ملت توانست تنها ۶۷ روز بعد از آغاز جنگ طومار نیروی دریایی ارتش بعث را در هم بپیچد.
فرمانده نیروی دریایی ارتش با اشاره به نبرد نابرابر ارتش امریکا و ایران در خلیج فارس و شهادت کارکنان ناو پیکان و سهند و جوشن در این نبرد گفت: خداوند را شاکریم که به برکت خون شهدا چهار دهه شکوهمند را پشت سر گذاشته و انواع ناو، زیر دریایی و تجهیزات به دست جوانان ما ساخته می‌شود. امیر ایرانی توسعه دیپلماسی دریایی را یکی از راهبردهای اصلی و وظایف نیروهای دریایی در سطح جهان دانست و گفت: به عنوان عضو آیونز رزمایش مرکب دریایی را در مهرماه برگزار کردیم و در حوزه توسعه دریایی بازدید از کشورهای مختلف را در دستور کار داریم. وی افزود: ما تمام توان خود را به کار خواهیم بست تا با الگو قرار دادن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی توسعه دریامحور را تحقق بخشیم و نظم و امنیت را برای ملت ایران به ارمغان آوریم. فرمانده نیروی دریایی ارتش دریا را زمینه‌ساز صلح و دوستی دانست و گفت: دریا زمینه ارتباط کشورها را فراهم کرده و ما به عنوان نیروی دریایی راهبردی ارتش با همکاری سایر همرزمان‌مان در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، پیام آور صلح و دوستی برای کشورهای دوست و هم‌پیمان هستیم.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس:

گزارش انتصاب ظریف به زودی تقدیم هیئت رئیسه مجلس می‌شود

گزارش نهایی کمیسیون در خصوص انتصاب معاون راهبری رئیس‌جمهور و درخواست بررسی نمایندگان برای اعمال ماده ۲۳۴ در خصوص استنکاف دولت از اجرای کامل قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس به زودی تقدیم هیئت رئیسه می‌شود.

به گزارش خانه ملت، ابراهیم رضایی در تشریح جلسات شنبه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در دو نوبت صبح و عصر اظهار داشت: در بخش ابتدایی جلسات لایحه بودجه ۱۴۰۴ در حوزه‌های دفاعی و امنیتی بررسی و کمیسیون پیشنهادات اصلاحی خود را در چارچوب تقویت بنیه دفاعی کشور ارائه کرد. وی افزود: کارگروه‌های تخصصی کمیسیون هم در چند نوبت این دستور را بررسی کردند. رضایی در بخش دیگری از صحبت‌های خود در خصوص گزارش کمیسیون از موضوع انتصاب معاون راهبردی رئیس‌جمهور گفت: گزارش نهایی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در خصوص این موضوع به زودی نهایی و به هیئت رئیسه مجلس ارائه خواهد شد.